

سال بیست و چهارم / شماره ۵۵۲۵

خبر

پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

برای درگذشت بدرالزمان قریب

بخش فرهنگی – سیدعباس صالحی در پیامی درگذشت مرحومه بدرالزمان قریب پژوهشگر برجسته زبان‌های باستانی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی را تسلیت گفت.

در متن پیام تسلیت سیدعباس صالحی آمده است:

«درگذشت بانوی دانشمند، پژوهشگر برجسته زبان‌های باستانی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، مرحومه بدرالزمان قریب را به اصحاب فرهنگ و ادب صمیمانه تسلیت می‌گویم.

از خداوند منان علو درجات برای آن زنده یاد و صبر و بردباری برای بازماندگان خواستارم.»

فقتنی است بدرالزمان قریب متولد ۱ شهریور ۱۳۰۸ صبح روز ۷ مرداد ۱۳۹۹ در سن ۹۱ سالگی درگذشت، آن مرحومه زبان‌شناس ایرانی، تنها زن از اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و چهره ماندگار بود.

کُری خوانی برای پرسپولیس‌ها

کار دست مجری شبکه یک داد

بخش فرهنگی – محسن سوهانی، مشاور مدیر شبکه یک سیما، از برکناری رضا امیراحمدی، مجری برنامه صبحگاهی شبکه یک سیما خبر داد.

این مجری جنجالی پس از اظهاراتش درباره قهرمانی پرسپولیس، روز گذشته از هواداران و باشگاه پرسپولیس عذرخواهی کرده بود و حتی روابط عمومی شبکه یک هم به صورت رسمی از این باشگاه و هوادارانش عذر خواسته بود. اما از شب گذشته، زمه‌هایی مبنی بر برکناری او به چشم می‌خورد و غیبت او در برنامه دیروز به این شایعات قوت بیشتری بخشید. در نهایت این شایعات توسط مشاور مدیر شبکه یک سیما تایید شد و او از برکناری رضا امیراحمدی و جایگزینی مجری دیگری به جای او خبر داد.

سالار عقیلی برای «ما ایرانی‌ها» می‌خواند

بخش فرهنگی – برنامه «ما ایرانی‌ها» ویژه عید قربان با حضور سالار عقیلی، امروز پنجشنبه ساعت ۲۲ روی آنتن شبکه پنج سیما می‌رود.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، «ما ایرانی ها» با دعوت از سالار عقیلی خواننده سرشناس موسیقی پاپ و مصطفی میراحمدزاده از خیران حامی کودکان نیازمند تحصیل، تصنیف‌های «خوشه چین» و «وطنم» را پخش می‌کند.

«ما ایرانی‌ها» می‌کوشد با دعوت از چهره‌های مردمی و خیرانی که به ایجاد حال خوب در جامعه کمک می‌کنند، این چهره‌های عمداً گمنام را به مردم معرفی کند.

اما ایرانی‌ها» کاری از گروه اجتماعی شبکه پنج سیما است. این برنامه با محوریت فعالیت‌های خیرخواهانه اجتماعی، فرهنگی و محیط زیستی هر هفته پنج شنبه‌ها ساعت ۲۲ با یک سوزه جدید روی آنتن می‌رود.

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

{فرهنگ و هنر }



یک آهنگساز و مدرس موسیقی مطرح کرد:

جدایی شعر و موسیقی در موسیقی غربی شدنی‌ست اما در موسیقی مقامی، خیر

بخش فرهنگی – منصور بهرام‌بیگی می‌گوید: موسیقی مقامی در کل خاورمیانه ارتباط تنگاتنگی با شعر و ادبیات دارد. حتی موسیقی آذری و عرب و ترکمن نیز ازاین موضوع مستثنی نیستند. به طور کلی موسیقی مقامی مانند موسیقی غربی نیست. در موسیقی غربی شعر و ادبیات از موسیقی جدا می‌شوند و در دو رشته جداگانه بررسی و تحلیل می‌شوند، اما در موسیقی مقامی اینگونه نیست. به گزارش خبرنگار ایلنا، موسیقی نواحی مختلف ایران با وجود تنوع بسیار دچار کاستی‌های بسیار است. یکی از مشکلات مهمی که در این زمینه وجود دارد مهجور ماندن سازهایی‌ست که در استان‌ها و شهرهای مختلف ایران کاربرد داشته‌اند و بخشی از موسیقی هر منطقه به حساب می‌آمده‌اند. درحال حاضر برخی از سازها که اتفاقاً قدمت بسیار دارند به دلیل هجوم انواع سبک‌ها و ایجاد المان‌ها و ظواهر پرزرق و برق توسط نسل‌های جدید مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اند و مورد توجه نیستند.

علاوه بر برگزاری جشنواره‌های معدود در استان‌ها و شهرهای مختلف که برخی به دلیل عدم حمایت‌های مادی و معنوی تعطیل می‌شوند، یکی دیگر از مسائلی که به فراموشی موسیقی مناطق مختلف و سازهای مرتبط با آنها منجر می‌شود، عدم شناخت علاقمندان موسیقی نسبت به آنهاست. دلیل این عدم شناخت کمبود منابع مکتوب است. از طرفی نحوه آموزش سینه به سینه عامل دیگری است که نگارش و تالیف کتب آموزشی را با چالش مواجه کرده است.استادان و پیشکسوتان موسیقی نواحی همچنان به شیوه سینه به سینه هنرجویان و علاقمندان پس از خود را آموزش می‌دهند و بسیاری از آنها به آموزش‌های آکادمیک اعتقادی ندارند و شاید همین موضوع دلیلی بر آن است که موسیقی نواحی مختلف در دیگر مناطق غربنومی مورد توجه نباشد. در این میان برخی فعالان موسیقی نواحی تلاش دارند با ضبط و ثبت آثار گذشتگان و نگارش و تالیف کتاب‌های مختلف درباره سازها و مقام‌ها، مشکلات مذکور را مرتفع کنند.

منصور بهرام‌بیگی (نوازنده، آهنگساز و سرپرست گروه موسیقی هوار) علاوه بر فعالیت‌های اجرایی دغدغه آموزش نیز دارد. او در گفتگوی پیش‌رو درباره آموزش موسیقی مقامی و مولفه‌ها و مقولات مهم آن توضیح داد و از تالیف و نشر کتابی گفت که به یکی از سازهای قدیمی و پرقدمت مناطق کردنشین اختصاص دارد. **♦ باتوجه به اینکه اهل و ساکن بوکان هستید چرا این شهر که برخی آن را پایتخت فرهنگی منطقه کردستان می‌دانند، جشنواره‌ای با محوریت موسیقی برگزار نمی‌کند؟**

تقریباً ده سال پیش که من در فرهنگ و ارشاد عراق در اربیل بودم و پس از بازگشت طی همکاری با سازمان جوانان و اداره فرهنگ و ارشاد و بچه‌های موسیقی برنامه‌ای را پایه‌ریزی کردیم که طی آن قصد داشتیم صرفاً به موسیقی

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

نیستند. به طور کلی موسیقی مقامی مانند موسیقی غربی نیست. در موسیقی غربی شعر و ادبیات از موسیقی جدا می‌شوند و در دو رشته جداگانه بررسی و تحلیل می‌شوند. در موسیقی مقامی همیشه آوزان، قالب شعری و متون به اضافه ملودی‌گردانی و کوک و فاصله و پرده‌بندی موسیقی باهم بررسی می‌شوند. اتفاقاً یکی از دلایلی که نسل جدید آنتور که باید با موسیقی مقامی ارتباط نمی‌گیرد همین مبحث دانش شعر و موسیقی است. حال ما تنوع‌های موجود را نیز مدنظر داشته باشید. به طور مثال ما با اینکه کرد هستیم اما لهجه‌های بسیاری داریم. یادگیری گویش اورامان برای من مانند این است که بروم و انگلیسی یاد بگیرم. در زبان آذری نیز این تفاوت‌ها وجود دارد. مثلاً آن زبان ترکی که در شهر زنجان مرسوم است در باکو و جلفا به شکل دیگری است.

♦ خودتان در زمینه آموزش نسل‌های پس از خود چه فعالیت‌هایی دارید؟

پس از برگزاری دو دوره جشنواره و چاپ کتاب «آموزش ضرب به شیوه مقامی کردستان» و کتاب‌های آموزشی نرم‌آهی حدوداً در چهار شهر بوکان، سقر، سنندج و کامیاران شروع به تدریس در آموزشگاه موسیقی کردیم. طی این روند شاگردانی داشته‌ام که نسل اول آنها توسط خودم آموزش دیده‌اند و حال نسل دوم هنرجویانم نیز در زمینه تدریس فعال هستند. پس از آموزش نسل اول به فعالیت‌های آکادمیک و دانشگاهی و کارهای تحقیقاتی و پژوهشی مشغولم. حال نسل سوم ما در آموزشگاه فعال است و در زمینه آموزش مقدماتی و آموزش نت و چاپ کتاب فعالیت می‌کند. علاوه بر اینها اقدام به تاسیس کارگاه سازسازی کرده‌ام که آن نیز هم اسم گروه‌مان است و «هوار» نام دارد. «هوار» در زبان کردی معنی فریاد است.

♦ متد آموزش شما در زمینه موسیقی مقامی چیست؟

می‌توان گفت شیوه آموزش ما تاحدودی با شیوه‌های مرسوم دیگر آموزشگاه‌ها متفاوت است. ما در نحوه آموزش موسیقی مقامی به هنرجویان شعر و موسیقی را به عنوان دو مقوله وابسته به هم مدنظر داریم زیرا این دو مبحث به نوعی در هم تنیده شده‌اند. لذا نام‌گذاری فرم‌های موسیقی بر اساس اشعار است و آن قالب‌های ادبی در موسیقی مقامی فقط قالب‌های آوزان شعر عروضی در موسیقی دستگاهی کشورمان نیست. موسیقی دستگاهی بر اساس قالب عروضی تنظیم و تدوین شده است. یعنی شاعران ایران حدود از قرن سوم، چهارم به بعد از آن نوع شعر هجایی برای بیان موضوعات جدی پرهیز کرده‌اند. حال دلیل این اتفاق هرچه بوده در حوزه تخصص من نیست، اما به هر حال بر اساس اسناد موجود می‌توان گفت شاعران فارسی زبان از قرن چهارم به بعد از شعر عروضی بیشتر برای بیان مسائل جدی و موضوعات تعلیمی و توصیفی، همچین مضامین عارفانه استفاده کرده‌اند. اما به طور کلی در موسیقی مقامی منطقه زاگرس اشعارهجایی، شش، هفت، هشت و ده هجایی مورد توجه است. این ویژگی در حوزه ادبیات گوران که آن را به منطقه هورامان می‌شناسند اهمیت بیشتری دارد. اگر از شرق به غرب یعنی از هورامان (استان کرمانشاه) به سمت عراق کروک برویم و از سمت سنندج به سوی سلیمانیه برویم، متوجه خواهیم شد شاعران منطقه بیشتر با وزن ده هجایی به سرایش شعر پرداخته‌اند. شاعران منطقه آذربایجان غربی و قسمتی از ترکیه تا جنوب ارمنستان نیز از آوزان هجایی شش هجایی، هفت هجایی و هشت هجایی استفاده می‌کنند که در میان کردها و آذری‌ها نیز کاربرد داشته است.البته در مناطق مذکور اشعاری با آوزان عروضی نیز سروده شده اما شاعران این مناطق خیلی دیرتر از شاعران فارسی زبان به آن روی آورده‌اند. به طور کلی ادبیات در موسیقی مقامی دارای اهمیت بسیار است و ما نیز در آموزشگاه جزئیات این مقولات را به هنرجویان آموزش می‌دهیم. برخی از ریتم‌ها در موسیقی مقامی با متن و شعر ارتباط دارند و برخی دیگر با رقص مرتبطند که البته آن رقصی که در موسیقی مقامی هست جنبه طرب ندارد و کاملاً جدی است.

♦ یعنی جنبه آیینی دارد؟

به‌طور کلی کل موسیقی مقامی ما آیینی است.البته آیین نه صرفاً به معنای مذهب و دین، بلکه معنای آداب و رسوم، که البته مقوله عرفان نیز بخشی از آن است.

♦ یعنی نوازنده و مقام‌خوان باید مقام را مال خود کند؟

آن شخص در نهایت باید روایت خودش را داشته باشد. به عنوان مثال در ساز تنبور زنده‌یاد سیدخلیل عالی‌نژاد و آقای علی‌اکبر مرادی را داریم که مقام‌های موجود را به شیوه و حس و حال خودشان روایت کرده‌اند.

♦ یکی از دلایل جدایی موسیقی مقامی همین نحوه روایت‌هاست؛ زیرا بر نوازنده مقام‌ها را از فیلتر ذهنی و احساس و اعتقادی خود عبور می‌دهد و روایتی جدید را رقم می‌زند.

دقیقاً همینطور است. این اتفاق دلیل دیگری نیز دارد. مردمانی که در مقاطع مختلف تاریخی روایت‌های ایجاد شده توسط حاکمیت‌ها را نپذیرفته‌اند و نتخاسته‌اند در آن روند حضور داشته‌اند و خودشان با متن و روش خودشان روایت پرداخته‌اند. مثلاً اگر صد سال گذشته موسیقی ایران را مرور کنیم، خواهیم دید که اگر موسیقی دستگاهی ایران نتوانسته روایتی از موسیقی بلوچستان یا کردستان داشته باشد، مردم این مناطق خودشان فرم‌های دیگری ساخته‌اند و آن را بر اساس فرهنگ و آداب قوم خود تکمیل کرده‌اند.



خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر